

حدیقه در ترازوی شرح و نقد

دکتر محمدرضا یوسفی* - دکتر علیرضا نبی‌لو**

چکیده

حدیقه الحقیقه حکیم سنایی غزنوی با نسخی بین ۳۸۰۰ تا ۱۴۰۰۰ بیت حکایت از کثرت مراتب اهمیت و استنساخ فراوان از آن دارد. ممکن است حدیقه نسخه مفصلی بوده که سنایی بخشی از آن را (حدود ۵۰۰۰ بیت) به بهرام شاه تقدیم نموده باشد. این امکان نیز هست که متن اصلی با شرح و حواشی منظومی که بعدها بر آن نگاشته‌اند، خلط شده باشد. به هر حال، دشواری متن حدیقه مدت‌ها بهره‌گیری از آن را مشکل و به اقتباس و تأثیرپذیری مضمونی محدود کرده بود. با اینکه از قرن هشتم و نهم، شرح و حاشیه‌نویسی بر متون قدیم رونق یافت ولی تا قرن یازدهم شرحی از حدیقه در دست نیست.

نخستین شرح حدیقه **لطائف الحدائق** از عبداللطیف عالی است که در قرن یازدهم همراه با تصحیح و تنقیح فراهم شده است. این شرح نسبتاً کامل و هنوز قابل استفاده است. پس از آن **مفتاح الحدیقه** از مولفی نامعلوم در شرح لغات مشکل و ترجمه آیات را می‌توان نام برد. **طریقه‌ی علائی** از علاءالدین صاحب بهادر، به شرح باب اول حدیقه پرداخته که در قرن سیزدهم در لاهور تحریر و چاپ شده است. **حواشی حدیقه خطی** شرح ناقصی از حدیقه است که بر اساس **لطائف الحدائق** نگارش یافته است. **تعلیقات حدیقه** از مدرسی رضوی با ذکر مأخذ قصص و تمثیلات و فهارس آیات و احادیث شرح راهگشایی محسوب می‌شود. آخرین شرح **حدیقه** از دکتر اسحاق طغیانی به نام **شرح مشکلات حدیقه سنایی** است که ابیات میهم و پیچیده‌ای را که کمتر مورد

* استادیار دانشگاه قم

** استادیار دانشگاه قم

توجه قرار گرفته، مدنظر قرار داده است. در این کتاب به ویژگیهای سبکی حدیقه و افکار و عقاید وی نیز پرداخته شده است.

۱- سنایی و حدیقه او

حکیم سنایی ابوالمجد مجدودبن آدم متولد ۴۶۳ تا ۴۷۳ غزنه و متوفای همان شهر (بین سالهای ۵۲۵ تا ۵۴۵) از مشاهیر شاعران و عارفان فارسی گوست. شهر غزنه تخت گاه پر زرق و برق دربار غزنوی هنوز شکوه و جلالت محمود زاولستان را در خاطر خود داشت و بزرگانی در این عهد در آن شهر ظهور کردند، همچون عثمان مختاری، مسعود سعد سلمان و هجویری. معاشرت و آشنایی حکیم سنایی موجب شد: دو نهال شعر و عرفان در وجود او و در کنار هم رشد کند. از طرفی، جاذبه شرکت در مجالس بزم و گرفتن صله از ممدوحان گشاده دست و از دیگر سو، آشنایی با *کشف المحجوب*، رساله *قشیریه* و *شرح تعرفه*، میل به عزلت و اندیشیدن به هستی و آفرینش، او را به زوایای صوفیانه می کشاند. شاعر جوان که در غزنین نتوانست راه خود را بیابد، بار شعر را در جستجوی حقیقت بست. (حسینی، ۱۳۸۱، شش) خراسان مجلای پیران طریقت بود و بلخ، سرخس، هرات، طوس و نیشابور مرتع جویندگان حقیقت. وی در سرخس با امام محمد منصور سرخسی آشنا شد که دمش همچون دم روح الله و نفخه صور، سنایی را متنبه و متیقظ ساخت و شاید شیخ احمد جام ژنده پیل را نیز - که در آن ایام با محمد منصور نقاری داشت و به صلح و آشتی منجر شد - ملاقات کرده باشد. پذیرفتنی است که سفر حج را نیز در ایام اقامت در خراسان و مشخصاً بلخ به جای آورده باشد (مدرس، ۱۳۵۴، سی و شش) به هر حال، واضح است که تحول روحی حکیم در زمان اقامتش در سرخس یا نیشابور و قبل از سال ۵۱۸ صورت گرفته، نه در غزنین قبل از سفر به بلخ یا بعد از مراجعت از سرخس (بشیر، ۱۳۵۶: ۳۶).

حدیقه سنایی نقطه عطفی در شعر فارسی محسوب می شود. او در غزل و قصیده تحولی عظیم ایجاد کرده بود و غزل را از حد تغزلات مبتذل با غلامان ترک و کنیزان زیبارو، به معاشقه با معشوق حقیقی بدل نموده بود و قصیده را از قید تملقات و چاپلوسیهای که باید زبان جری را ببرند تا گوهر درّی را نثار خوکان نمایند، رهانیده بود و به جایگاه ابراز زهد، وعظ و اندرز تبدیل کرده بود. این بار مصمم بود قالب مثنوی را نیز از قید داستانهای عاشقانه و موهوم برهاند. بنابراین شالوده *حدیقه الحقیقه* را ریخت و بابی را گشود که عطار و مولانا نیز از او پیروی کنند. او اولین شاعری است که افکار تصوف و اصطلاحات عرفان و گفتار مشایخ را با ذوقیات شعری آمیخته، در قالب نظم درآورد (مدرس، ۱۳۸۳: کج).

اهمیت **حدیقه** از اسنساخهای مکرر آن، بخوبی هویداست. نسخه‌های **حدیقه** از ۳۸۰۰ بیت (نسخه خطی خلیل اینالجق در شیکاگو به تاریخ ۵۸۸ ق) تا ۱۴۰۰۰ بیت (نسخه خطی ایا صوفیه به تاریخ ۷۲۹) است (حسینی ۱۳۸۱: سی و یک). دربارهٔ تعداد ابیات حدیقه در کتاب **سیری در ملک سنایی** آمده است:

حدیقه را از قول حکیم سنایی به استناد شعر سستی که در **حدیقه** است و با طرز سخن حکیم مشابَهت ندارد، ده هزار می‌گویند و در **تذکره** هم ده هزار بیت نوشته‌اند ولی عبداللطیف عباسی نسخه معتبری از **حدیقه** ترتیب داده با ۱۱۳۶۰ بیت. استاد مدرس رضوی هم نسخه‌ای از **حدیقه** فراهم کرده که شماره ابیات آن در حدود دوازده هزار بیت است، اما در نسخه‌ای که چاپ عکسی از روی آن در کابل به اهتمام راقم این سطور صورت گرفته است، تعداد ابیات از حدود پنج هزار و پنجصد بیت تجاوز نمی‌کند که وجود این اختلاف فاحش در شماره ابیات این حدس را برای این ضعیف به وجود آورده است که ممکن است شماره ابیات اصلی **حدیقه** در حدود همین اندازه‌ای باشد که در نسخه طبع کابل دیده می‌شود و آنچه زیاده بر آن در نسخ دیگر **حدیقه** موجود است به مشمول آن ابیات **حدیقه** که تعداد ابیات ده هزار گفته شده، شرح یا تعلیقه‌ای منظوم بر ابیات مختلف **حدیقه** اصلی باشد که بعد از حکیم بر آن افزوده‌اند و اگر تعداد ابیات **حدیقه** در حدود ده هزار بوده، پس نسخه کهنسال کابل خلاصه یا مجمل آن مثنوی باید باشد (بشیر ۱۳۵۶: ۵۷۵۶).

یکی از موارد اختلاف در نسخه‌های موجود **حدیقه**، فهرست بابها و فصول و عناوین داخل متن است. معلوم نیست تا چه حد از خود حکیم است و تا چه میزان کاتبان و نساخان بدان افزوده‌اند. در مقدمهٔ **فخری نامه** آمده است: عناوین فصول نسخه‌های مختلف حدیقه، یکی از عوامل بازدارنده فهم انسجام و ساختار اصلی کتاب است. کاتبانی که خود بویی از حقایق معرفت نبرده بودند و به صرف تکرار واژه‌ای از بند، عنوانی را برای آن فصل برگزیده بودند، خواننده متن را به گمراهی می‌کشاند. اگر عناوین بندهای مختلف کتاب حاضر را حذف کنیم، مجموعه‌ای بس منسجم‌تر از آنکه می‌نمود، پیش رو خواهیم داشت (حسینی، ۱۳۸۲: سیزده).

آنچه مسلم می‌نماید، حکیم سنایی اساس **حدیقه** را بر ده باب نهاده است و این را از فهرست منظوم آغاز **حدیقه** که صحت انتسابش به سنایی معلوم نیست و از سایر نسخ می‌توان ادراک نمود، ولی ترتیب بابها و حتی نام آنها یکسان نیست. اختلاف ترتیب بابهای **حدیقه** در جدول ذیل بیشتر مشخص می‌شود. البته، سعی شده از ذکر اختلاف در جزئیات نام ابواب پرهیز شود تا مقایسه سهلتر باشد.

نسخه	باب اول	باب دوم باب سوم	باب چهارم	باب پنجم	باب ششم	باب هفتم	باب هشتم	باب نهم	باب دهم
فهرست مدرس رضوی	توحید	کلام حق	رسول	عقل	علم	صفت نفس	در غرور و غفلت	مدح بهرام شاه	سبیل
فهرست جمع التالیف مدرس ص ۵۸	توحید	کلام حق	رسول	عقل	صفت علم	ذکر نفس	در افلاک و بروج	مدح بهرامشاه	حکمت امثال
فهرست مظلوم مدرس ص ۵۹	تحمید	نعت رسول	صفت عقل	صفت علم	در عشق	غفلت و نسیان	دراحوال دشمن و دوست	افلاک بروج	مدح بهرامشاه
نسخه عبداللطیف عباسی	تحمید	نعت رسول	صفت عقل	صفت علم	در عشق	غفلت و نسیان	غفلت و نسیان	افلاک نجوم	دوست و دشمن
فخری نامه	توحید	کلام حق	رسول	صفت علم	صفت عقل	ذکر نفس	غرور و غفلت و نکوهش چرخ و دوست و دشمن	شوق و عقل	دوست و دشمن

البته، **فخری نامه** فهرست ابواب مثل سایر نسخ ندارد و صرفاً جهت انجام مقایسه با تکیه بر ابیات ابتدای هر باب در سایر نسخه‌ها، برای **فخری نامه** نیز معادل‌سازی شد؛ با این توضیح که کل ابیات آن اندکی کمتر از پنج هزار بیت است و کوتاه‌ترین باب آن شوق و عشق با حدود هشتاد بیت محسوب می‌شود.

نکته مهم دیگری که درباره **حدیقه** شایان ذکر است، تاریخ سرودن و علت سرایش آن است. با توجه به اینکه سال مرگ سنایی دقیق مشخص نیست و خود **حدیقه/الحقیقه** نیز حدود ده هزار بیت اختلاف دارد، مساله‌ای که مطرح می‌شود، این است که چرا اکثر نسخ حدیقه یا عدد پنج هزار را نشان می‌دهند، یا ده هزار را. از طرفی مطالب آن یک دست نیست و از یک خط مشی ثابت فکری تبعیت نمی‌کند: گاه به این می‌ماند که قطعات شعری را که با ریسمان وزن به هم مربوطند، به یکدیگر متصل کرده‌اند؛ گاه با حکیم فرزانه و عارف اصلی مواجهیم که قطع تعلقات کرده، در جهانی سیر می‌کند که عطار و مولانا را مجال طیران در آن فضا نیست و گاه ستایشگر طماعی را می‌بینیم که انوری و امیر معزی بر درش دریوزه می‌کنند. ظن غالب بر آن است که حکیم بنای **حدیقه** را سالها قبل از تحول روحی خود و شاید همزمان با **کارنامه بلخ** ریخته و به

تناوب بدن می‌پرداخته است و پس از تحول روحی، ابواب عرفانی، مثل عقل، علم، نفس و غرور و غفلت را سروده است و زمانی که بهرامشاه از وی خواسته در سلک ملازمان دربار قرار گیرد، در صدد برآمده با تقدیم خدمتی عذرخواهی کند. بنابراین، بخش‌های متأخر **حدیقه** را که با حال و هوای عزلت طلبی و استغناوی وی سازگاری داشته، در مجموعه‌ای پنج هزار بیتی به نام بهرامشاه تنظیم کرده است.

مولف **سیری در ملک سنایی** گفته است: از نظم و ترتیب **حدیقه**، بخصوص از اختلاف فاحشی که میان نسخه‌های موجود آن هم از حیث قلت و کثرت ابیات و هم از لحاظ ترتیب منطقی ابواب و فصول آن دیده می‌شود، چنین بر می‌آید که حکیم مدتها قبل از سال ۵۲۴ یا ۵۲۵ که تذکره نویسان به عنوان تاریخ سرودن یا اتمام حدیقه ذکر کرده‌اند و مدتها قبل از سال ۵۲۷ که در دیباچه نسخه **حدیقه** چاپ کابل به عنوان تاریخ تدوین و گردآوری **حدیقه** ذکر شده است، نظم **حدیقه** را شروع کرده بود. شاعری که بنا بر تحقیق در حدود سال ۵۱۸ مسند نشین فرمانروایی بر ملک دل - که خود از آن به ملک سنایی تعبیر کرده است - شده بود و دم از مدح و ستایش این و آن فرو بسته و گوشه قناعت اختیار کرده بود، هرگز در سال ۵۲۴ یا ۵۲۵ یا ۵۲۷ وقت خود را به توصیف اسب بهرامشاه یا تیغ او یا گرز او صرف نمی‌کند. این چنین ابیات باید مربوط به سالهای قبل از ۵۱۸ - که احتمالاً آغاز تحول روحی او شمرده می‌شود - مربوط باشد. (بشیر ۱۳۵۶:۷۳).

۲- شرح‌های حدیقه

با توجه به دشواریها و غوامض «**حدیقه**» حکیم، مدتها بهره‌گیری از آن در قالب اقتباس و تأثیرپذیری مضمونی ادامه یافت و چنانکه مشهور است، **حدیقه** بر آثاری چون **تحفه‌العراقین خاقانی**، **مخزن‌الاسرار نظامی**، **منطق‌الطیر عطار** و **مثنوی مولوی** تأثیرگذار بوده است. شرح و حاشیه زدن بر آثار شاعران از فعالیتهای علمی‌ای بود که بخصوص از قرن هشتم و نهم رونق بیشتری گرفت اما عجلتاً تا قرن یازدهم از شرح حدیقه اثری در دست نداریم. از این قرن به بعد به چند اثر بر می‌خوریم که به شرح یا توضیح **حدیقه** پرداخته‌اند و آثاری نیز در سده اخیر در تحلیل، شرح، تلخیص و توضیح حدیقه به منصه ظهور رسیده است. که به معرفی مهمترین آنها می‌پردازیم:

۱- شرح عبداللطیف بن عبدالله عباسی، مسمی به **لطایف الحدایق** که به سال ۱۰۳۸ هـ. ق. آغاز شده (در این مقاله به تفصیل به آن خواهیم پرداخت).

۲- **مفتاح‌الحدیقه در بیان لغات حدیقه:** در این کتاب فقط به ذکر معنی لغات مشکله و ترجمه بعضی از آیات قرآنی پرداخته شده است... مولف آن شناخته نشده، ولی در آخر نسخه چنین آمده است: «بر ضمیر منیر آشنایان بحور معانی پوشیده نماند که این رساله نیز به حضور خادم اهل سخن که مؤلف این لغات است، به نام او پس بن خواجه غلامعلی سجستانی به اتمام رسید با وجود بی‌اعتمادی، اعتماد را شاید و به رسم مقابله به نظر این حقیر گذشت؛ اگر سهوی روی داده باشد امید عفو است». این رساله به خط عبدالمنعم لاهوری به تاریخ روز دوشنبه پنجم شهر جمادی الآخر سنه ۱۰۴۱ نوشته شد. (مدرس، ۱۳۴۴: نه)

۳- **طریقه‌عالی** شرح بر حدیقه سنایی به سال ۱۲۹۰ نوشته شد. از نواب محمدعلاءالدین احمدخان صاحب بهادر، فرمانفرمای لوهاور که به درخواست محمد رکن‌الدین قادری حصارى، به شرح باب اول **حدیقه** همت گماشت و توضیحات سودمندی در حاشیه آن نگاشته است که شامل ترجمه و توضیح آیات، احادیث، اقوال مشایخ، لغات، ترکیبات و معانی ابیات مشکل است. این اثر با مقدمه مختصری از محمد رکن‌الدین قادری حصارى آغاز می‌شود. سپس توضیحاتی در هفت صفحه به عربی از میرزا محمدصاف شکن خان بهادر خان صاحب **طریقه (عالی)** در سبب تألیف این شرح آمده است. این شرح قریب ۲۸۰ صفحه را در بر می‌گیرد.

۴- حواشی حدیقه خطی: نسخه‌ای است که اول و آخر ندارد و به مقدار یک جزو از ابتدا و انتهای آن افتاده است و معلوم نیست حواشی از کیست. در حواشی ما بین السطور نسخه مطالبی در توضیح ابیات **حدیقه** به قلم فاضلی نوشته شده که برای حل بعضی از مشکلات ابیات آن بسیار سودمند است... نویسنده از فضلالی هند و بعد از عبداللطیف عباسی بوده است و شرح وی را در دست داشته و از شرح وی بی آنکه نام ببرد، استفاده کرده (مدرس، ۱۳۴۴: ۸)

۵- **تعلیقات حدیقه الحقیقه** از مدرس رضوی که در شرح آیات، احادیث، مأخذ قصص و تمثیلات و کلمات مشایخ به همراه تفسیر و توضیح ابیات مشکل **حدیقه** است. کتاب قریب به ۹۰۰ صفحه است که ۱۵ صفحه مقدمه و ۸۹۷ صفحه متن اصلی است. در مقدمه مطالبی درباره معرفی اثر آمده است، سپس مرحوم مدرس به شروحاتی که قبل از او از حدیقه پدید آمده، اشاره می‌کند. با معرفی سه نسخه از حدیقه و تأکید بر کامل نبودن شرح آن و باقی ماندن برخی از غوامض و تنگناهای آن مقدمه را به پایان می‌برد.

چنانکه اشاره شد، مدرس مصحح حدیقه و دیوان سعی کرده است ابیاتی که به نظرش دشوار بوده، شرح نماید، بخصوص تأکید ایشان بر ماخذیابی و شرح و توضیح آیات و احادیث و اقوال در شناخت حدیقه بسیار راهگشاست. فهرس سودمندی که از آیات، احادیث، گفتار بزرگان، کلمات مشایخ صوفیه، مأخذ قصص و تمثیلات، امثال و حکم و اعلام ضمیمه تعلیقات مدرس است،

سبب سهولت کار استفاده کنندگان می‌شود که از مزایای دیگر این اثر در مقایسه با شروع پیشین محسوب می‌شود.

۶- شرح مشکلات حدیقه سنایی از دکتر اسحاق طغیانی شامل ۵۵۲ صفحه که رساله دکتری ایشان بوده است: «در این پژوهش سعی شده اکثر ابیات مبهم و پیچیده حدیقه که تاکنون مورد شرح واقع نشده یا کمتر به آنها توجه شده است، بررسی گردد و با تجزیه و تحلیل لغات، اصطلاحات، نکات ادبی، مباحث کلامی و فلسفی و نجومی، طبّی، قصص قرآن، آیات و احادیث مربوط، معنی در خور و مناسب آنها ارائه گردد» (طغیانی، ۱۳۸۱: پیشگفتار).

قریب به پانزده صفحه مقدمه در احوال و آثار سنایی و حدیقه آمده است، سبک عوامل زبانی و فکری و عوامل ادبی، عقاید، افکار سنایی، تنش سیاسی و مذهبی عصر سنایی و معرفی نسخه‌های خطی حدیقه، از عناوین دیگری است که در مقدمه این شرح به چشم می‌خورد. طرز شرح ایشان بدین صورت است که ابتدا بیت را آورده‌اند و سپس به شرح و توضیح لغات و ترکیبات آن پرداخته‌اند و توضیحات و معنای بیت را پس از آن قرار داده‌اند. ابیات به شکل مجزاً آورده شده؛ مگر ابیات موقوف المعانی یا مرتبط با هم باشد که در این صورت چند بیت پشت سر هم نوشته شده و سپس شرح و توضیحات آنها بیان گردیده است.

۳- لطائف الحقایق

حدیقه سنایی با شرح *لطائف الحدایق* از خواجه عبدالطیف العباسی به اهتمام و تصحیح مولوی ابوالحسن صاحب و به اهتمام حاجی محمد رفیق و حاجی نعمت الله به سال ۱۸۸۵-۱۸۸۷ در دهلی به چاپ رسید. اصل شرح عباسی سال ۱۰۳۸ شروع شده و سال ۱۰۴۱ پایان یافته است. این کتاب حاوی ۸۶۰ صفحه است که ۲۶ صفحه آن در بردارنده مقدمه‌ای مفصل است. نسخه عباسی بیش از نه هزار بیت را شامل می‌شود. کتاب در قطع رحلی و در کاغذ حنایی و به شیوه دو مصرعه با قلم متوسط و خط نستعلیق زیبا نوشته شده است. هر صفحه به طور متوسط ۱۲ بیت را در کادر ثابت در خود جای داده و اختلاف نسخ با قلم ریزتر زیر هر کلمه و گاه میانه دو مصرع به شکل عمودی درج شده است. شرح و توضیحات ابیات در حاشیه صفحه به دو شکل درج شده است. چنانچه توضیحات زیاد نباشد، از منتهی الیه بالای صفحه از طرف عطف شروع شده در پایین‌ترین جای عطف خاتمه می‌پذیرد و اگر توضیحات اضافه‌تر از حواشی صفحه باشد کادر اصلی را نصف کرده و از نیمه دوم صفحه توضیحات و شرح شروع شده، پس از آن حاشیه صفحه را نیز به طریق مذکور پر می‌کند. انشای فاضلانہ عباسی و نثر شیوای او از امتیازات دیگر *لطائف الحدایق* است.

شروع کتاب با فهرست هشت صفحه‌ای حدیقه است که در سه ستون جای گرفته است. در پایان این فهرست، فهرست منظوم یازده بیتی را که در نسخه مدرس نیز آمده ذکر کرده است و تصریح نموده که «این فهرست منظوم با این نسخه موافق نیست. چون در بعضی نسخ به نظر درآمده نوشته شده» (عباسی، ۸) کتاب شامل سه دیباچه است: «دیباچه اول مسمی به *صراآت الحدائق* از حضرت شارح *حدیقه الحقائق* رحمت‌الله علیه که با این جمله آغاز می‌شود: این نوشته گلزاری است که از این هنگام همیشه بهار و بهار فیض آثار سال هزار و سی و هشتم هجری و سنه اثنتین جلوس همایون جهانشاهی... مسود این حروف و محرر این سطور عبداللطیف بن عبدالله العباسی را چون از تصحیح و تنقیح و تشریح و توضیح غوامض لفظی و معنوی مثنوی حضرت مولوی رومی (موسوم به لطائف غیبی) به عنایت ایزدی فراغ حاصل آمد... بر ذمه خود واجب و لازم دید که پای سعی و اجتهاد در وادی تصحیح و تنقیح و تشخیص لفظ و معنی حدیقه الحقیقه مهما ممکن بفرساید... و جازم گشت که حدیقه را مقابله نماید...» (همان، ۳)

در ادامه، به نسخه‌ای که اساس قرار داده، اشاره نموده و گفته است پس از هشتاد سال از مرگ سنایی نوشته شده و باید همان نسخه ۶۱۷ باشد. درباره شرح آن نوشته است: «بنابر آن، این نسخه را حل کل قرار داده، متن از حامل شرح نوشته شد که هم شرح ابیات و تفسیر آیات و ترجمه احادیث و اقوال اکابر داشته باشد و هم قیود «مفیده و لغات ضروری» (ص ۷) در ضمن، گفته است فرهنگ لغاتی موسوم به *لطائف‌الغات* خاصه حدیقه سنایی نیز تدوین کرده است.

دیباچه دوم، دیباچه‌ای است که حکیم سنایی بر حدیقه نوشته و در نسخه مدرس رضوی نیز در صفحات ۲۷ الی ۵۷ به طور مفصلتر ذکر شده است و آغازش با این جمله است: «سپاس و ستایش مبدعی راست که به سخن پاک و سخندان و سخنگوی را ابداع کرد» و انتهایش این جمله: «و تا جهد و توفیق هم طویل‌ا اویند». همچنین موفق دارد (بر جمع کردن علم و حکمت بر جلوه کردن اصحاب حق و حقیقت بر تفخیم و تعظیم ارباب طریقت و الحمدالله رب العالمین و الصلوه و السلام علی محمد و اله اجمعین (عباسی، ۱۳-۲۵). وی تصریح کرده که این دیباچه را در اکثر نسخه‌ها خود نمی‌نویسند و مطلقاً نیست و او نقل را از نسخ متعدده به سعی تمام پیدا کرده، تصحیح داد و اکثر لغاتش را از کتب معتبره لغت تحقیق نموده، بر حاشیه نوشت (همان، ۱۴).

دیباچه سوم که در حاشیه صفحات ۱۳ تا ۲۲ درج شده، مشتمل است بر معرفی و توضیح نوع شرح و نحوه کار عباسی و گفته است: توجهات عجیب غریب که در هر بیت کرده شد، اکثر موافق علم و کتاب است، نه عندیات. لغاتی که تحقیق شده، همه از روی کتب معتبره عربی و فارسی است، نه تخمین و قیاس. عبارات و الفاظ ابیات که تصحیح یافته، تمام مطابق نسخ

صحیحه و موافق تمییز ارباب بینش است (همان، ۱۳). وی برای درک بهتر متن از علایم اختصاری نیز استفاده کرده است، از جمله:

یای خطابی را «خ» و یای مصدری را «ع» و یای تنکیر را «تن» و یای مجهول را «مج» و یای معروف را «مع» و کاف فارسی را «ف» و کاف عربی را «ع» علامت نهاده است.

منابع

- ۱- حافظ شیرازی، شمس‌الدین. (۱۳۶۷). *دیوان*، دکتر قاسم غنی، بی‌نا، چاپ دوم.
- ۲- خاقانی شروانی. (۱۳۶۸). *دیوان*، دکتر سید ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار، چاپ سوم.
- ۳- دهخدا، لغت‌نامه.
- ۴- مصفا، ابوالفضل. (۱۳۷۵). *فرهنگ اصطلاحات نجومی ایران*، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- ۵- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*، تهران: سروش، چاپ دوم.